

An Analysis and Evaluation of Doctrinal and Ethical Norms of Wahhabism in terms of the Prophet's Practice

Murtaza Mizginizhad*

Mahla Yazdani**

(Received on: 2017-07-19; Accepted on: 2019-06-23)

Abstract

Since the Wahhabi current has flourished in the Sunni world and has led to violence against other Muslims, particularly Shi'as, it is of great importance to study abnormalities of this sect. The Wahhabi current has several dimensions, including beliefs, social behavior, jurisprudential rulings, and political approaches. In this paper, we deploy an analytic-descriptive method to consider norms governing Wahhabism in terms of three models: intellectual, doctrinal, and social. We do so by analyzing Wahhabi beliefs, rulings, and practices. We then identify the roots and grounds of pessimism through a description of how the three models affect each other. Moreover, we consider the Prophet's practice in order to elicit his favored social behavior, and then we contrast the model to the norms governing Wahhabism in order to uncover the fundamental difference between the two. Thus, Wahhabis' deviation from the Prophet's behavioral model has paved the path for their irrational behaviors, which has resulted in pessimism toward the whole Islamic community. Furthermore, we analyze the social model underlying the Prophet's practice in order to consider global popularity as a significant factor in Islam, and then we evaluate Wahhabis' social-political behaviors.

Keywords: Wahhabism, creation of pessimism, social norm, behavioral model.

* Assistant professor, Department of Islamic Philosophy and Kalam, University of Birjand, Birjand, Iran (Corresponding Author), mezginejad@birjand.ac.ir..

** MA/Researcher in Narjis Seminary School, Torbat-e Jam, Iran, yazdani.313@chmail.ir.

تحلیل و ارزیابی هنجارهای اعتقادی و اخلاقی وهابیت بر اساس سیره نبوی

مرتضی مزگی نژاد*

مهلا یزدانی**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۰۲]

چکیده

به علت رشد جریان وهابیت در جهان اهل سنت و خشونت‌های برخاسته از آن در مقابل دیگر مسلمانان، به‌خصوص شیعیان، آسیب‌شناسی این فرقه دارای اهمیت بسیاری است. جریان وهابیت دارای وجوه متعددی است، از جمله اعتقادات، رفتار اجتماعی، احکام فقهی و رویکردهای سیاسی. در این مقاله سعی شده است با روش تحلیلی - توصیفی هنجارهای حاکم بر وهابیت با ارائه سه الگوی فکری، اعتقادی و اجتماعی بررسی شود. این امر با تحلیلی بر عقاید، احکام و کارنامه عملی وهابیت صورت می‌گیرد و با توصیف نحوه تأثیرگذاری این سه الگو بر یکدیگر، ریشه‌ها و عوامل بدینی بازشناسی می‌شوند. در بخشی دیگر، با بررسی سیره نبوی، الگوی رفتار اجتماعی پیامبر (ص) استخراج خواهد شد و با مقایسه این الگو با هنجارهای حاکم بر فرقه وهابیت، تفاوت بنیادین این دو الگو مشخص می‌شود. حاصل اینکه دوری فرقه وهابیت از الگوی رفتاری پیامبر اسلام (ص) زمینه رفتاری نابخردانه را فراهم آورده که نتیجه‌اش چیزی جز ایجاد بدینی به کل جامعه اسلامی نبوده است. همچنین بر اساس تحلیل الگوی اجتماعی سیره نبوی، مسئله محبوبیت جهانی، به عنوان فاکتوری مهم در اسلام، بررسی و از این طریق رفتار سیاسی اجتماعی وهابیت ارزیابی خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: وهابیت، ایجاد بدینی، سیره نبوی، هنجار اجتماعی، الگوی رفتاری.

۱. مقدمه

تخریب یک سیستم اعتقادی و فکری ممکن است به شکل‌های مختلفی انجام گیرد. ممکن است مبانی فکری سیستم کفایت لازم را نداشته باشد و ناسازگار باشد و همین امر سبب اضمحلال آن شود؛ مثلاً تفکر پوزیتیویسم که دست‌پرده‌کننده متفکرانی در اوایل قرن بیستم بود، پس از گذشت چند دهه به علت ناسازگاری‌های نهفته در آن از درون متلاشی شد. گاهی نیز ممکن است در بدو شکل‌گیری و رشد یک سیستم هیچ مشکل مبنایی احساس نشود؛ اما سیستم جامعیت لازم را برای دفاع از مبانی خود به صورت عقلانی نداشته باشد و نتواند پذیرش لازم را در جامعه پیدا کند و پس از گذشت زمانی رها شود. این دو ویژگی که در مباحث معرفت‌شناسی جزء لوازم بقای یک سیستم است را اصطلاحاً سازگاری و تمامیت سیستم می‌گویند. با وجود این ممکن است سیستمی هر دو ویژگی را داشته باشد، اما در مرحله اجرا و عملیاتی شدن، مجریان ضعیف به درستی نتوانند دستورالعمل‌های لازم را به کار برند و این امر سبب ناکارآمدی سیستم شود؛ مثلاً ممکن است دین خاصی با تمام ویژگی‌های منحصر به فردش به دست دیندارانی سپرده شود که نتوانند به اهداف از پیش تعیین شده دین برسند.

علاوه بر موارد ذکر شده، نوع دیگری از تخریب وجود دارد که با ابزار بدبینی سبب ایجاد نوعی تنفر همه‌گیر از یک سیستم می‌شود. ایجاد بدبینی به یک سیستم می‌تواند علت درونی یا بیرونی داشته باشد؛ اما به هر حال سبب تغییر چهره سیستم در اذهان می‌شود، به گونه‌ای که جلو رفتار عقلانی و منطقی را می‌گیرد. در این حالت، حتی با وجود ویژگی‌هایی مانند سازگاری و تمامیت سیستم، عامه مردم تن به پذیرش آن نمی‌دهند. دین، به عنوان سیستم پیچیده و جامعی که قابلیت‌های شگفت‌انگیزی دارد، نیز می‌تواند در معرض هر یک از این تهدیدات باشد. یکی از جریان‌هایی که امروزه بیش از پیش باید بررسی شود، جریانی است که به ظاهر از درون اسلام برخاسته؛ اما با نوع کارکرد خود سبب ایجاد آسیب جدی بر پیکره اسلام شده است. در این پژوهش،

با توجه به اهمیت و ضرورت مسئله، آسیب‌شناسی این جریان و تأثیر عمیق آن بر ایجاد بدبینی به اسلام به تفصیل بررسی خواهد شد.

روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی، تحلیلی بر اساس گردآوری اطلاعات است. در این شیوه با توصیف شرایط و برشمردن برخی از ویژگی‌ها، شناخت دقیق‌تری از وهابیت و هنجارهای اجتماعی این تفکر ارائه خواهد شد و در نهایت با تحلیل این ویژگی‌ها سعی می‌شود به مسائل مطرح‌شده در این پژوهش پاسخ داده شود. همچنین روش تحقیق بر اساس هدف پژوهش از نوع بنیادی است و هدف آن ارائه فرضیات، تبیین روابط و پدیده‌ها، نظریه‌پردازی و سرانجام تولید دانش در زمینه مورد بحث است. با توجه به مقدمات گفته‌شده، دو پرسش اساسی این پژوهش عبارتند از:

۱. فاکتور محبوبیت جهانی تا چه اندازه در اسلام اثرگذار است؟
۲. چگونه می‌توان بدون تعلیلی بر عقاید و تفکر و فقط با تکیه بر فاکتور محبوبیت جهانی، وهابیت را نوعی ایدئولوژی ارتجاعی دانست؟

۲. مفهوم شناسی

آسیب‌شناسی: فرهنگ پیشرفته آکسفورد مطالعه علمی آسیب‌ها، بیماری‌ها و اختلالات را آسیب‌شناسی نامیده است. آسیب‌شناسی به دنبال شناخت موقعیت یا حالات زیست‌شناختی‌ای است که در آن یک ارگانیسم فاقد عملکرد صحیح یا مناسب است (هورنای، ۱۳۸۲: ۹۲۸). این اصطلاح به تبع کاربرد آن در رشته‌های تجربی، بیش از یک سده است که در ادبیات دینی وارد شده است (اسفندیاری، ۱۳۸۴: ۷). هدف از آسیب‌شناسی دینی شناخت آسیب‌ها و اشکالات ممکن است که دامنگیر معرفت دینی یا رفتار جامعه دینی می‌شود (دژاکام، ۱۳۷۷: ۴).

جریان‌شناسی: «جریان‌شناسی عبارت است از شناخت منظومه و گفتمان، چگونگی شکل‌گیری، معرفی مؤسسان و چهره‌های علمی و تأثیرگذار در گروه‌های فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی. حاصل سخن آنکه هر جریان اجتماعی به لحاظ فکری

دارای اندیشه‌ای خاص در عرصه‌های هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی و غیره است و به لحاظ اجتماعی، دارای مرجعیت اجتماعی و اثرگذاری در جامعه است، به‌گونه‌ای که جمعی از مردم پیروان آن به شمار می‌آیند» (خسروپناه، ۱۳۷۹: ۴).

سلفی‌گری: «سلف» در لغت به معنای «پیشین» است؛ به عبارت دیگر، به کسانی سلف گفته می‌شود که در گذشته زیسته‌اند (ابن منظور، بی‌تا: ۱۵۸). هر دوره‌ای سلفِ زمان آینده خود و خلفِ زمان گذشته خود به حساب می‌آید؛ بنابراین سلف در لغت به معنای متقدم و سابق است. سلف در اصطلاح علم کلام به صحابه، تابعین و تابعین تابعین اطلاق می‌شود؛ همچنین به علمای اسلامی در سه قرن نخست هجری سلف گفته می‌شود (ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۷: ۳۰). به عبارت دقیق‌تر، در اصطلاح اهل سنت مقصود از سلف صحابه، تابعین و تابعین تابعین هستند. مهم‌ترین دلیل اهل سنت بر این ادعا حدیث خیریه است: «خیر الناس قرنی، ثم الذین یلونهم، ثم الذین یلونهم، ثم یجیء اقوام تسبق شهادة احدهم یمینه و یمینه شهادته» (بخاری، ۱۳۸۶: ۲۳۰، ح ۲۶۵۲). شیعه برخلاف اکثر اهل سنت که قائل به عدالت همه صحابه هستند، همواره قید «صالح» را در کنار سلف آورده و بر این باور است که برخی از صحابه کارهایی انجام داده‌اند که آنان را از عدالت ساقط کرده است (علیزاده موسوی، ۱۳۹۲: ۳).

«ابن تیمیه» سلفی‌گری را در قرن هفتم هجری مذهبی در برابر دیگر مذاهب اسلامی قرار داد. پیش از او در جهان اسلام با مفاهیمی همچون «اهل حدیث» یا «اصحاب حدیث» روبه‌رویم که با همه شباهت‌هایشان به مکتب سلفی‌گری، مذهبی در برابر دیگر مذاهب‌ها نبوده‌اند و چنین ادعایی مطرح نبوده است. در واقع، اهل حدیث گروهی از مسلمانان بودند که به احادیث — هرچند ضعیف — اعتماد بیشتری از عقل و تفکر داشتند. سلفیان خود را پیروان احمد بن حنبل می‌دانند. احمد بن حنبل رویکردی مانند اهل حدیث داشت؛ اما خود را واضع مکتب سلفی‌گری نمی‌نامید (علیزاده موسوی، ۱۳۹۲: ۴). ابن تیمیه با شکل دادن اندیشه سلفی‌گری اختلافات عمیقی در جامعه اسلامی ایجاد کرد که منجر به شعله‌ور شدن نزاع‌های بسیاری در جهان اسلام شد. اگرچه بیشتر مسلمانان این اندیشه را در آغاز شکل‌گیری‌اش طرد کردند و به حاشیه راندند، در قرن

دوازدهم، جریان سلفی‌گری با حمایت انگلستان در نجد و حجاز رشد یافت و با فراز و نشیب‌های فراوان تا زمان حاضر ادامه پیدا کرد. سلفی‌گری ابزاری در دست کشورهای استعماری است که با دیدگاه‌ها و باورهای مختلف، با ایجاد شاخه‌ها و جریان‌های گوناگون موجب تفرقه و شکاف در جامعه اسلامی شده است (سبحانی، ۱۳۸۸: ۴).

سیره نبوی: واژه سیره بر وزن فعله از ماده «سیر» (یعنی حرکت و راه رفتن) است. فعله در زبان عربی بر نوع دلالت دارد (مطهری، ۱۳۶۸: ۳۲۴). گاهی می‌خواهیم از رفتن و مسیر کسی آگاه شویم و گاهی می‌خواهیم به نحو دقیق‌تر از سبک رفتن و نوع مسیر آگاه شویم. در سیره به دنبال یافتن روش‌ها و قواعد حاکم بر رفتار و اعمال هستیم، بنابراین سیره نبوی به معنای مجموعه اصول و قواعد و سبک‌های رفتاری پیامبر (ص) است. شهید مطهری در تفصیل عبارت سیره نبوی چنین نگاه‌شده است:

آنچه مهم است شناختن سبک رفتار پیغمبر است. آنها که سیره نوشته‌اند رفتار پیغمبر را نوشته‌اند. این کتاب‌هایی که ما به نام سیره داریم، سیر است نه سیره؛ مثلاً سیره حلبیه سیر است نه سیره، اسمش سیره هست ولی واقعش سیر است. رفتار پیغمبر نوشته شده است، نه سبک پیغمبر در رفتار، نه اسلوب رفتار پیغمبر، نه متد پیغمبر (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۰).

۳. پیشینه سلفی‌گری

۳-۱. مذهب حنبلی

مذهب حنبلی (۱۶۴-۲۴۱) یکی از چهار مذهب اهل سنت است. مؤسس مذهب حنبلی، ابوعبدالله احمد بن حنبل بن هلال شیبانی است که در سال ۱۶۴ قمری در بغداد به دنیا آمد.^۱ احمد بن حنبل از شاگردان محمد بن ادریس شافعی بود. او با الهام از دو مکتب حنفی و مالکی کوشید راهی میان آن دو برگزیند؛ اما در نهایت مذهبی را پایه گذاشت که التزام شدیدی به نص و حدیث داشت. او روایات بسیاری را گرد آورد و آنها را در مجموعه‌ای که *مسند احمد حنبل* نامیده شده، فراهم کرد.^۲ (سعادت، ۱۳۸۸: ۲۰۳). مذهب حنبلی به عنوان یکی از مذاهب فقهی اهل سنت، گرایش شدیدی به نقل دارد (زلمی، ۱۳۷۵: ۴۵-۵۶).

۲-۳. ابن تیمیه

ابوالعباس احمد بن عبدالحلیم حرانی معروف به ابن تیمیه، متولد سال ۶۶۱ قمری در حران، فقیه و محدث و متکلم حنبلی قرن هفتم و هشتم هجری قمری است^۳ (سعادت، ۱۳۸۸: ۴۰۰/۳). او در فقه ابتدا پیرو مذهب حنبلی بود؛ اما در نهایت با تمام مذاهب رایج آن زمان به مخالفت برخاست. گرچه خود وی دارای دیدگاه‌های کلامی متمایزی با بیشتر مسلمانان بود، متکلمان را اهل بدعت می‌دانست؛ او نوشته است: «فلاسفه و متکلمان حقیقتی را ثابت نکرده‌اند و اصولی که بنیاد نهاده‌اند با حقیقت متناقض و معارض است و آنها این اصول را بر آنچه پیغامبر اسلام (ص) آورده است، مقدم می‌دارند» (ابن تیمیه، ۱۳۷۴: ۳۶۰/۱). او تجاوز از قرآن و حدیث را روا نمی‌شمرد، اما چون در مبارزه بی‌باک بود علمای مذاهب دیگر با او دشمنی کردند. او در عقاید خود سرسخت و درباره نظریات خود و مخالفان تندخو و متعصب بود و هیچ‌کس را قبول نداشت^۴ (سعادت، ۱۳۸۸: ۴۰۷/۳؛ ر.ک: محمصانی، ۱۳۵۸: ۵۸-۵۷).

۳-۳. محمد بن عبدالوهاب

محمد بن عبدالوهاب از مردم نجد بود و به مکتب ابن تیمیه گرایش داشت. نام فرقه وهابیت از نام پدر او گرفته شده است؛ عبدالوهاب از علمای عیینه از بلاد نجد بود (سعادت، ۱۳۸۸: ۴۰۰/۳). محمد بن عبدالوهاب فقه حنبلی را نزد پدرش فراگرفت. او آثار ابن تیمیه را مطالعه کرد و تحت تأثیر اندیشه‌های وی قرار گرفت. پس از چندی عقاید وی را مناسب دید و با برخی از عقاید دیگر مسلمانان به مخالفت برخاست. این امر سبب شد در بصره به او معترض شدند و بالاخره او را از آنجا اخراج کردند (ابوطامی، ۱۴۱۹: ۲۲/۱). عبدالوهاب با کمک سیاسی محمد بن سعود، جد بزرگ آل سعود، پس از جنگ و خونریزی‌های فراوان فرقه وهابیت را در میان برخی قبایل نجد پایه‌گذاری کرد. در نهایت در سال ۱۲۰۶ق مصادف با حکومت سلطان عبدالعزیز سعودی در درعیه درگذشت (الرهاوی، ۱۹۸۴: ۱۶/۱-۱۷).

۴. تبیین ساختار هنجاری وهابیت

برای تبیین ساختار هنجاری حاکم بر فرقه وهابیت از سه الگوی مبنا استفاده می‌کنیم. ابتدا با بررسی ریشه‌های عقیدتی وهابیت، الگوی فکری را استخراج می‌کنیم، سپس با بررسی احکام خاص این فرقه تلاش خواهیم کرد الگوی اعتقادی وهابیت را کشف کنیم و در نهایت با بررسی رفتار اجتماعی سیاسی به الگوی اجتماعی این جریان اشاره خواهیم کرد. در ادامه خواهیم گفت که الگوهای فکری و اعتقادی به‌گونه‌ای است که زمینه الگوی رفتاری خاص وهابیت را ایجاد می‌کند و بر این اساس، ساختار هنجاری حاکم بر این فرقه روشن خواهد شد.

۴-۱. الگوی فکری وهابیت

اهل سنت در نیمه نخست قرن دوم به دو فرقه کلامی متمایل شدند: اهل حدیث و معتزله. اهل حدیث در همه مسائل به شدت ظاهرگرا هستند، به ظاهر آیات و روایات تعدد دارند و اجازه ورود عقل به حریم دین را نمی‌دهند. در نقطه مقابل، معتزله قرار دارند که در حوزه مسائل دین کاملاً عقل‌گرا هستند (سبحانی، ۱۴۱۱: ۵/۲). ابوالحسن علی بن اسماعیل بن اسحاق (۲۶۰-۳۲۴ق) مدت‌ها بر مذهب اعتزال بود. او که از شاگردان خاص ابوعلی جبایی به حساب می‌آمد، در نهایت با استادش سر به مخالفت برداشت و از مذهب اعتزال توبه و اعلام کرد که به رد معتزله معتقد شده است. او برای دفاع از عقاید اصحاب حدیث در برابر جریان فکری معتزله، مکتبی در عقاید اسلامی بنیان گذاشت که پیروانش را اشاعره می‌نامند. هدف این مکتب اصلاح تفکر اهل حدیث بوده است. امروزه بیشتر اهل سنت از عقاید کلامی اشعری پیروی می‌کنند. فرقه وهابیت متأثر از عقاید کلامی اهل حدیث است (ابن‌عساکر، ۱۳۴۷: ۱/۳۴-۴۷).

۴-۱-۱. ریشه‌یابی الگوی فکری اهل حدیث

ابوالحسن اشعری، رئیس فرقه اشاعره، در کتاب *الابانه عن اصول الدیانة* به ۵۱ اصل از عقاید مهم اهل حدیث اشاره می‌کند (سبحانی، ۱۳۷۳: ۱/۱۵۸). قسمتی از این اصول با دیگر

فرق اسلامی مشترک و قسمتی نیز از عقاید خاص اهل حدیث است. در ادامه برخی از اصولی که مرتبط با الگوی فکری اهل حدیثند را بیان می‌کنیم (اشعری، ۱۳۹۷: ۱۰۶-۹۷).
- ما به خدا و فرشتگان و کتاب‌ها و رسولان او و آنچه از جانب او آمده است و راویان مورد اعتماد، که از پیامبر (ص) نقل قول کرده‌اند، اقرار می‌کنیم و چیزی از آن را رد نمی‌کنیم.

- خداوند بر عرش خود استقرار دارد؛ چنانکه فرموده است: «الرحمن علی العرش استوی» (طه: ۵).^۵

- خدا چهره دارد، ولی بدون کیفیت (بلا کیف)؛ چنانکه فرموده است: «و یبقی وجه ربک ذو الجلال و الاکرام» (رحمن: ۲۶).

- خدا دارای «دو دست» است، ولی بدون کیفیت؛ چنانکه می‌فرماید: «خلقت بیدی» (ص: ۷۵) و «بل یداه مبسوطتان» (مائده: ۶۴).

- ما برای خدا گوش و چشم ثابت می‌کنیم و هرگز آنها را، برخلاف معتزله و جهمیه و خوارج، نفی نمی‌کنیم.

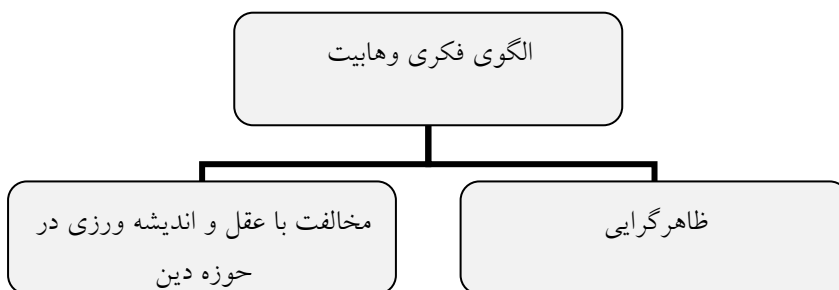
- آفریدگاری جز خدا نیست و اعمال بندگان مخلوق خدا است؛ چنانکه می‌فرماید: «و الله خلقکم و ما تعلمون» (صافات: ۹۶). بندگان خدا توانایی آفریدن چیزی را ندارند، چراکه مخلوقند؛ چنانکه می‌فرماید: «هل من خالق غیر الله» (فاطر: ۳).

- خداوند به مؤمنان توفیق اطاعت داده، آنان را مشمول لطف خود دانسته و اصلاح و هدایت کرده است. او کافران را گمراه و آنان را از هدایت خود محروم کرده و نعمت ایمان را به آنان عطا نفرموده است که اگر چنین لطف و اصلاحی در حق آنان انجام می‌داد، آنان از صالحان بودند و اگر هدایتشان می‌کرد هدایت‌یافته بودند؛ چنانکه می‌فرماید: «من یهد الله فهو المهتدی و من یضلل فأولئک هم الخاسرون» (اعراف: ۱۷۸).

با توجه به نوع تفاسیر ارائه‌شده، اهل حدیث برخوردی کاملاً ظاهرگرایانه با آیات و روایات دارند و همان‌گونه که در مورد اول بیان شد، حاضر نیستند عقل را وارد حریم دین و عقاید دینی کنند. آنان بیشتر مواردی که نیاز به تبیین عقلی دارد را با عبارت «کیفیت آن بر انسان معلوم نیست» یا «سؤال و تفکر در آن حرام است» پاسخ داده‌اند؛

بنابراین الگوی فکری حاکم بر اهل حدیث عبارت است از: «نکوهش مطلق علم کلام و بستن راه خرد و عقل در حوزه مسائل دینی».

محمد بن ادریس شافعی (۱۵۰-۲۰۴ق)، پیشوای مذهب شافعی، از همین الگو تبعیت می‌کند. نقل شده که وی درباره علم کلام گفته است: «اگر انسان به هر کار خلافی - جز شرک - دست بزند، بهتر از آن است که به علم کلام بپردازد» (گلبایگانی، ۱۳۷۷: ۴۶). مذهب حنبلی نیز به شدت متأثر از این نوع تفکر است؛ مثلاً خود احمد بن حنبل پس از بیان وجوب ایمان به قدر و روایاتی که در این باره وارد شده است، هیچ گونه پرسشی در این باره را جایز نمی‌داند و توصیه می‌کند که نباید درباره چنین مسائلی با کسی مناظره کرد (احمد بن حنبل، ۲۰۰۶: ۵۱-۵۲). تفکر کلامی و فقهی وهابیت ریشه در مبانی فکری اهل حدیث و مذهب حنبلی دارد؛ ابن تیمیه می‌گوید: «کسانی که ادعای تمجید از عقل را دارند در حقیقت ادعای تمجید از بتی را دارند که آن را عقل نامیده‌اند. هرگز عقل به تنهایی در هدایت و ارشاد کافی نیست، وگرنه خداوند رسولان را نمی‌فرستاد» (ابن تیمیه، ۱۴۱۱: ۲۱/۱). بر همین اساس، از خصوصیات فکری این جریان، نوعی ظاهرگرایی دینی و خردستیزی در حوزه معارف دینی است.



۴-۲. الگوی اعتقادی وهابیت

مجموعه اعتقادات وهابیت اگرچه در جهان اهل تسنن و مذهب حنبلی شکل گرفته و پیشینه تفکر اهل حدیث را به همراه دارد، دارای تفاوت‌های چشمگیری با آنها است، گونه‌ای که اهل سنت و حتی حنابله به اعتقادات آنان انتقاد کرده‌اند. بسیاری از

صاحب نظران اهل سنت اعتقادات وهابیت را خروج از اسلام می دانند. در این باب بیانی کلی از اعتقادات کلیدی و متمایز وهابیت خواهد آمد تا الگوی حاکم بر این اعتقادات روشن شود. فرقه وهابیت اصول و عقایدی دارد که آن را از دیگر مذاهب اهل سنت جدا کرده است که در اینجا به بعضی از آنها اشاره می شود. بنا بر دیدگاه خاص وهابیت، اعمال زیر سبب خروج فرد از اسلام و کافر یا مشرک شدن او می شوند:

- توسل به رسولان و اولیای الهی: هر کس به پیامبران و ائمه متوسل شود، مشرک است (مبلغی، ۱۳۶۴: ۱۴۲/۳).

- زیارت قبر پیامبر و ائمه (ع) و طلب شفاعت از ایشان: این عمل مانند درخواست شفاعت از بت ها و نوعی بت پرستی است.

- تعمیر قبور و ساختن بنا روی قبر پیامبر و اولیای الهی و صالحان: برای نخستین بار این مسئله را ابن تیمیه و شاگرد معروفش ابی القیم عنوان کردند و بر تحریم ساخت بنا و لزوم ویرانی آن فتوا دادند (برنجکار، ۱۳۸۰: ۱۴۶). در سال ۱۳۴۴ که وهابیان بر مکه و مدینه و اطراف آن تسلط یافتند، بسیاری از آثار خاندان رسالت و صحابه را ویران کردند (سبحانی، ۱۳۷۴: ۳۸).

- سوگواری حرام است و ارواح اموات در امور دنیوی و اخروی نمی توانند دخالت داشته باشند (مبلغی، ۱۳۶۴: ۱۴۳/۳).

- شفاعت و توسل: وهابیت مخالف طلب شفاعت در دنیا است.

- ایمان یا جزیه: وهابیان معتقدند باید با دیگر فرق و مذاهب اسلامی جنگید تا وهابیت را بپذیرند یا جزیه دهند؛ تاریخ دلیل روشنی بر این مدعا است (همان).

به طور کلی می توان گفت آنان معتقدند که مسلمانان در گذر زمان از آیین اسلام منحرف شده و در دین خدا بدعت هایی نهاده اند که با شرع اسلام مخالف است و این امر آنان را از اسلام جدا کرده است؛ از این رو وهابیان همیشه مسلمانان دیگر را به کفر متهم کرده اند. مواردی که ذکر شد اعتقادات خاص وهابیت است که آن را از دیگر مذاهب اهل سنت، حتی حنابله و اهل حدیث، متمایز می کند؛ برای نمونه، ابوالحسن

اشعری درباره اصول اعتقادی اهل حدیث (سبحانی، ۱۳۷۳: ۱۵۸/۱) می گوید:

اهل حدیث عقیده دارند که نباید یک نفر از اهل قبله را به گناهی که مرتکب می‌شود تکفیر کنیم، مانند دزدی و می‌گساری، برخلاف خوارج که مرتکب کبیره را کافر می‌دانند. اسلام وسیع‌تر از ایمان است و هر اسلامی ایمان نیست؛ همه بر این نکته متفقند که کافر دانستن و مباح خواندن مال و جان شخصی که شهادتین را بر زبان جاری ساخته و ملتزم به احکام اسلام است اشتباهی است بس بزرگ (اشعری، ۱۳۹۷: ۱۴۰؛ سبحانی، ۱۳۷۳: ۱۶۳/۱).

۴-۲-۱. مشخصه و ویژگی‌های اعتقادی

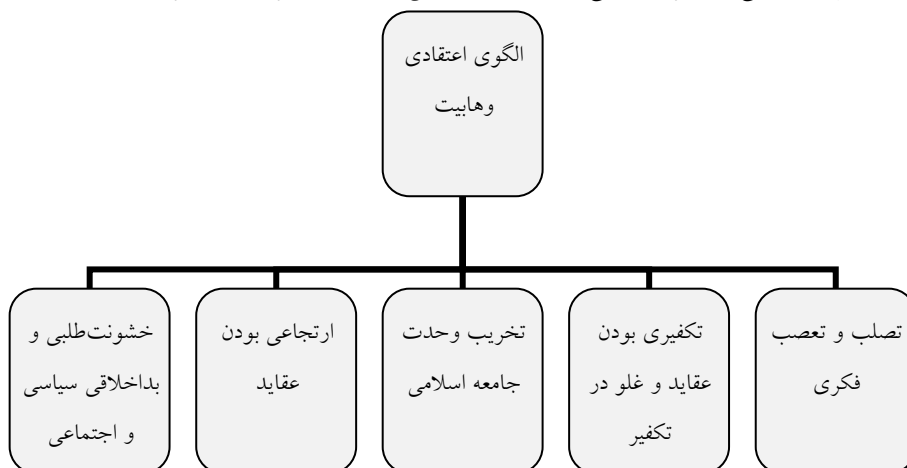
- تصلب و تعصب فکری: نحوه بیان اعتقادات و نوع اعتقاداتی که برشمرده شد، نشان می‌دهد وهابیت خود را از تمام جهان اسلام، اعم از سنی و شیعه، عالم‌تر می‌داند و خود را ملاک حق و حقیقت می‌پندارد. چنین تفکری حاصل نوعی تصلب و تعصب فکری است.^۶

- تکفیری بودن عقاید وهابیت و غلو در تکفیر: الگوی حاکم بر عقاید کلیدی این فرقه گسترش معنای کفر و شرک است، به گونه‌ای که با تفسیر نابخردانه و دور از واقع ظاهر برخی از آیات و روایات، حاضر به شنیدن سخن عقلانی در این زمینه نیستند و فقط با برجسب تکفیر و شرک به دیدگاه‌های و نظریات مقابل، آنها را باطل فی الذات و خود را معیار حق می‌پندارند. عبدالوهاب در کتاب *خمسون سؤالاً وجواباً فی العقیده* می‌گوید: «صرف شهادت برای مسلمان بودن کفایت نمی‌کند؛ کسانی که معتقد به توسل، شفاعت و استغاثه به ارواح اولیای الهی هستند، هرچند خود را مسلمان بنامند، مشرکند و شرک آنان از شرک عصر جاهلیت خطرناک‌تر است» (ابن عبدالوهاب، بی‌تا: سؤال چهارم).

- تخریب وحدت جامعه اسلامی: نوع نگرش تک‌بعدی و دور از عقلانیت به همراه تعصب حاصل از جهالت سبب شده است شکافی عمیق در جامعه اسلامی ایجاد شود. بر اساس اعتقادات وهابیت، بخش عظیمی از مسلمانان مشرک و کافرند و حاصل چنین تفکری چیزی جز تفرقه و بداخلاقی‌های اجتماعی نیست.

- ارتجاعی بودن عقاید: ارتجاع در لغت به معنای «بازگشت» است و در اصطلاح به مخالفت با پیشرفت و تحول در بنیادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی موجود گفته می‌شود. نوع اعتقادات و احکام وهابیت خنثاکننده چنین تحولاتی در جامعه است و نوعی عقب‌ماندگی اجتماعی را نتیجه می‌دهد (آشوری، ۱۳۵۱: ۶۵).

- خشونت طلبی و بداخلاقی سیاسی و اجتماعی: وهابیان معتقدند باید با دیگر فرق و مذاهب اسلامی و غیر اسلامی جنگید تا به آیین وهابیت بگردند یا جزیه دهند.



۳-۴. الگوی اجتماعی، سیاسی وهابیت

برای شناخت دقیق‌تر رفتار اجتماعی وهابیت، آن را در دو دوره زمانی بررسی می‌کنیم. دوره اول را به ظهور و شکل‌گیری وهابیت اختصاص می‌دهیم و واقعیاتی را که در این دوران اتفاق افتاده، به نحو گذرا، تحلیل می‌کنیم، سپس رویکرد اجتماعی سیاسی وهابیت در دوران معاصر را بررسی خواهیم کرد.

۳-۴-۱. رفتار اجتماعی و سیاسی وهابیت در دوره ظهور و شکل‌گیری

پس از آنکه محمد بن عبدالوهاب در سال ۱۱۶۰ق با حکمران درعیه، محمد بن سعود، پیمان بست، بی‌درنگ به رؤسای قبایل و تمام مردم نجد و قاضیان نامه نوشت و آنان را

به قبول مذهب ساخته خود فراخواند؛ اما جز عده‌ای اندک از مسلمان نجد، کسی تن به عقاید خودساخته عبدالوهاب نداد. او حکم به شرک و کفر مردم نجد، بدون استثنا، کرد و خون و مالشان را برای سربازانش مباح خواند^۷ (ابن‌غنام، ۱۳۸۵: ۹۸/۲). تاریخ گواه آن است که گسترش وهابیت با زور شمشیر سعود و رهبری مذهبی محمد بن عبدالوهاب بوده است. پس از سعود، فرزندان او پا جای پای پدر گذاشتند و با ایجاد ترس، جنگ و خونریزی فراوان توانستند بسیاری از قبایل اعراب و همه اعراب نجد را به آیین خود بکشانند. یکی از این جنگ‌ها به تصرف مکه انجامید.

وهابیان از همان ابتدا عده‌ای از علمای خود را برای اظهار دعوت و گرفتن اجازه حج نزد حاکم مکه فرستادند. حاکم مکه به علما دستور داد آنان را بیازمایند. علمای مکه پس از آزمایش، عقاید آنان را باطل و بدعت تشخیص دادند و حاکم نیز اجازه حج به آنان نداد. این محرومیت مدت زیادی طول کشید تا اینکه «عبدالعزیز»، که بعد از پدرش چهره شاخصی در هدایت وهابیت بود، به فکر تصرف مکه افتاد. وی به سوی مکه لشکر کشید و آغازکننده جنگی بود که ۱۵ سال ادامه یافت؛ اما نتیجه‌ای از آن حاصل نشد (فاسیلیف، ۱۴۱۱: ۳۱). پس از او، سعود بن عبدالعزیز در سال ۱۲۱۸ به مکه مکره حمله کرد و بر آن تسلط یافت. به دستور او بسیاری از دانشمندان اهل سنت به شهادت رسیدند و بسیاری از اشراف و اعیان، بدون دلیل، به دار آویخته شدند. در این دوره بسیاری از آثار تاریخی مکه ویران شد^۸ (ناصر السعید، ۱۴۳۳؛ امین، ۲۰۰۷: ۵۳؛ امین، ۱۴۲۱: ۷/۲؛ عاملی، ۱۴۱۹: ۸۱/۱؛ محمد صخر، ۱۹۸۱: ۴۷). جبرّتی، مورخ حنفی، می‌نویسد:

در اواخر سال ۱۲۷۱، وهابیان به حجاز یورش بردند و هنگامی که نزدیک طایف شدند شریف غالب، حاکم طایف، برای مقابله با آنان به بیرون طایف رفت؛ ولی او را شکست دادند و او به داخل شهر بازگشت. خانه او را آتش زدند و او به سوی مکه فرار کرد. پس از آن به مدت سه روز با مردم طایف جنگیدند و مردان آنان را کشتند و زنان و کودکان را به اسارت گرفتند^۹ (حنفی، ۲۰۱۳: ۵۵۴/۲).

- این موارد نمونه‌هایی از شیوه عملی و رفتار سیاسی وهابیت در بدو شکل‌گیری است. می‌توان با تحلیل رویدادها الگوی اجتماعی این دوره را چنین تبیین کرد:
- رفتار پر از خشونت و متوحشانه در برخورد با عقاید مخالف؛
 - تضعیف شاکله همبستگی در جهان اسلام؛
 - ارائه چهره خشن و متوحش از اسلام؛
 - ترویج عقیده با شمشیر به جای استدلال و منطق؛
 - برخورد جاهلانه و متعصبانه با آثار علمی و تاریخی؛
 - تغییر و تحریف تاریخ با از بین بردن آثار تاریخی اسلام.

۴-۳-۲. رفتار اجتماعی و سیاسی وهابیت در دوره معاصر

وقایع تاریخی معاصر متأسفانه نشان‌دهنده نوعی رادیکالیسم افراطی در جهان اسلام است که حرکت وهابیت به وجود آورده و پشتیبانی می‌کند. این رفتار سبب شده مسائلی مؤلفه‌های اصلی اسلام شناخته شوند که هیچ‌گونه سنخیتی با اسلام ندارند؛ از جمله عملیات انتحاری، بمب‌گذاری‌ها، تروریسم منطقه‌ای و بین‌المللی، سیاست ستیزه‌جویی و گفتمان خشونت. نمونه‌هایی از این رفتار آورده می‌شود.

طالبان وهابی در افغانستان: گروهی از وهابیان در سال ۱۳۷۲ با حمایت مستقیم عربستان و امریکا وارد افغانستان شدند، در شهریور ۱۳۷۵ کابل را تصرف کردند و شیعیان را کشتند. رفتار وحشیانه و به‌دوراز فطرت انسانی در قتل‌عام مردم بی‌دفاع و هجوم به بیمارستان‌ها و حسینیه‌ها و کشتار مردم، چهره کریهی از اسلام طالبانی را به جهانیان نشان داد (اسدعلی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۱۰).

سپاه صحابه وهابیت در پاکستان: این گروه تروریستی با حمایت عربستان در پاکستان ایجاد شد. این گروهی که ابزاری در دست فئودال‌های سنی مذهب است، با هدف مبارزه با شیعیان و مخالفان تفکر وهابی در پاکستان ایجاد شده است. فعالیت‌های تعریف‌شده برای سپاه صحابه عبارتند از ترویج وهابیت، مبارزه با افکار شیعیان و انقلاب اسلامی ایران. این گروهی که در قالب آدم‌ربایی، سرقت مسلحانه،

ایجاد وحشت و دلهره در میان شیعیان، بمب‌گذاری و ترور فعالیت می‌کند (حافظ تقی‌الدین، ۱۹۹۸: ۵۰۳).

وهابیت در عربستان سعودی: عربستان سعودی پشتیبان اصلی وهابیت در زمینه‌های فکری، مالی و سیاسی و مهم‌ترین صادرکننده تفکر وهابیت به جهان است. حاکمان سعودی به دلیل اهمیت مسئله حج برای مسلمانان جهان ایام حج را که همه‌ساله میلیون‌ها زن و مرد مسلمان برای شرکت در این مراسم وارد عربستان می‌شوند، مغتنم شمرده، همت به تبلیغ وهابیت می‌گمارند. آنان با ایجاد وزارتخانه مستقلی به نام «حج»، که وظیفه اساسی و مهمش رسیدگی به مسائل حج و حجاج است، در پی تبلیغ و اشاعه وهابیت در سرتاسر جهان هستند؛ اما گاهی رفتار برخاسته از جهل و توخشان سبب به خاک و خون کشیده شدن و آزار و اذیت حجاج بیت الحرام می‌شود.^{۱۰}

القاعده در افغانستان: تشکیلات القاعده را اسامه بن‌لادن در سال ۱۹۸۸م جهت مبارزه با اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان تأسیس کرد. این تشکیلات در دوره معاصر از شاخه‌های افراطی وهابیت به شمار می‌آید. این تشکیلات در سراسر جهان با ایجاد خشونت، سعی در ایجاد تفرقه در صفوف مسلمانان دارد و سبب ایجاد تصویری نامناسب از اسلام در نگاه جهانیان شده است (مستقیمی و ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۳۵۵-۳۳۷). خشونت، جنگ‌طلبی، ترور، عملیات انتحاری و مانند اینها تصویری است که با شنیدن نام این گروه به اصطلاح اسلامی در ذهن جهانیان تداعی می‌شود. سید امام (عبدالقادر بن عبدالعزیز)، از اعضای شورای اصلی القاعده و مشاور شرعی این سازمان، در کتابی به نام *العمده فی إعداد العمده* که مورد استقبال سلفیان جهادی قرار گرفت، مسیر فکری این فرقه را به خوبی نشان داده است. در عبارتی که می‌آید عمق انحراف فکری این فرقه از اسلام مشخص است:

پرسش: اگر کشتن کافران ممکن نباشد مگر با کشته شدن زنان و کودکان آنها، آیا کشتن زنان و کودکان در این صورت جایز است یا خیر؟

پاسخ: کشتن زنان و کودکان کفار در این صورت جایز است، حتی اگر مبارزه نکنند و به کافران کمک نرسانند؛ چراکه کشتن کفار فقط به این صورت محقق می‌شود (عبدالقادر عبدالعزیز، ۲۰۱۷: ۳۴۳).

داعش: گروه داعش از تندروهای سلفی جداشده از شبکه القاعده و یکی از رادیکال‌ترین گروه‌های اسلام‌گرا در خاورمیانه به حساب می‌آید. داعشیان در سال ۲۰۱۴ ادعای خلافت جهانی کردند و خود را حکومت اسلامی (الدوله الاسلامیه) نامیدند. داعش در درگیری‌های نظامی خود از کودکان و نوجوانان استفاده می‌کند. قتل عام هزاران غیرنظامی، سربریدن و مثله کردن، دفاع از برده‌داری و خریدوفروش زنان و دختران اسیر نمونه‌ای از وحشی‌گری‌های این گروه تروریستی است (ر.ک: توکلی، ۱۳۹۳). از دیگر گروه‌ها و شاخه‌های نظامی وهابیت می‌توان به «جند الله» در منطقه سیستان و بلوچستان ایران و «جماعت مسلح اسلامی» الجزایر که از جبهه نجات اسلامی جدا شده است و در کشتارهای مسلمانان الجزایر شرکت می‌کند اشاره کرد.

۴-۳-۳. نتایج عملکرد وهابیت در دوره معاصر

عملکرد وهابیت در دوره معاصر نتایجی را به همراه داشته که در ادامه می‌آید:

- زمینه‌سازی برای تنش‌های فرقه‌ای در جهان اسلام؛
- افزایش شکل‌گیری گروهک‌های تروریستی با پشتوانه وهابیت در سرتاسر جهان؛
- تضعیف وحدت اسلامی با انکار تقریب مذاهب، به‌خصوص میان شیعه و اهل سنت؛ برای نمونه می‌توان به فتوای مفتی اعظم عربستان، شیخ عبدالعزیز بن باز، درباره تقریب مذاهب اشاره کرد: «التقريب بين الرافضة وبين أهل السنّه غير ممكن لأنّ العقیده مختلفه... فلا يمكن الجمع بينهما، كما أنه لا يمكن الجمع بين اليهود والنصارى والوثنيين وأهل السنّه، فکذلك لا يمكن التقريب بين الرافضة وبين أهل السنّه لاختلاف العقیده التي أوضحناها» (عبدالعزیز بن باز، ۲۰۰۸: ۱۵۶/۵)؛

- تخریب آثار بزرگ فرهنگی و دینی؛
 - خشونت و کشتار مردم بی‌گناه؛
 - گسترش تروریسم و ایجاد بدعتی به نام عملیات انتحاری؛
 - تحقیر زن و محروم کردن او از کمترین حقوق انسانی؛
 - نشان دادن چهره خشن و افراطی از مسلمانان در منظر جهانی.
- حاصل دو دوره فعالیت فرقه وهابیت نشان می‌دهد نوعی الگوی اجتماعی خاص بر این فرقه حاکم است. نتایج این تحلیل را می‌توان به‌صورت زیر نشان داد:



انعکاس این الگوی اجتماعی در جهان چیزی غیر از نفرت و انزجار از اسلام نداشته و حاصل آن تضعیف اسلام و وجهه مسلمانی است؛ این تخریب با نام اسلام و مسلمان صورت می‌گیرد. فعالیت رسانه‌های جهانی، به صورت خاص رسانه‌های غربی، بر الگوی اجتماعی سیاسی وهابیت در چند دهه اخیر فقط برای اسلام‌هراسی و القای ترس و وحشت از اسلام بوده است. این امر مؤید این است که حاصل عملکرد اجتماعی وهابیت چیزی جز تخریب و ضربه زدن بر پیکر اسلام نبوده است. پس از یازدهم سپتامبر، رسانه‌های غرب بیشترین تلاش را برای مخدوش کردن چهره مسلمانان نزد افکار عمومی به کار بستند و زمینه گسترش اسلام‌هراسی را فراهم کردند. با اقدامات تروریستی گروه‌های افراطی نظیر القاعده، طالبان و داعش امروزه مسلمانان در صدر اخبار مربوط به خشونت، ترور و منازعه هستند؛ امری که سبب مشروعیت‌بخشی هوشمندانه دولت‌های غربی به دشمنی با اسلام و مسلمانان و نادیده گرفتن حقوق مسلمانان شده است (درخشه، حسینی، ۱۳۸۸: ۲۸۹).

۵. سیره نبوی و الگوی رفتاری پیامبر (ص)

اسلام اولین آیینی است که حق و عدالت در آن به درستی اجرا می‌شود و یکی از اموری که باعث جذب مردم به اسلام شد، همین سهولت و سماحت این دین است (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۹۰). اسلام، آن‌گونه که مخالفان ترسیم می‌کنند، با زور و شمشیر به پا نشده، بلکه همان‌طور که خدای متعال فرمان داده، با استدلال و نیک‌اندیشی در بین جوامع گسترش یافت. خداوند متعال در سوره نحل آیه ۱۲۵ به پیامبر (ص) می‌فرماید: «با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به روشی که نیکوتر است استدلال و مناقشه کن». پیامبر (ص) نیز در حدیثی به جابر می‌فرماید: «ای جابر دین اسلام دین با متانتی است؛ با خود با مدارا رفتار کن، آدم‌هایی که خیال می‌کنند با فشار آوردن و سخت‌گیری بر خود زودتر به مقصد می‌رسند، اشتباه می‌کنند و راه را اشتباه می‌روند و هرگز به مقصد نمی‌رسند»^{۱۱} (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۸۵).

حرکت رسول خدا (ص) در مسیر اسلام به‌طور کامل بر اساس فطرت، عقل و منطق بود. رفتار و خلق و خوی پیامبر (ص) حاکی از فطرت پاک و فضایل بلند اخلاقی بود. ایشان تلاش می‌کرد حق را در دل‌ها جای دهد تا بتواند مردم را زنده سازد و بهره‌مندی از فضیلت دعوت کند. به جهت موهبت اخلاقی بسیار پسندیده و همت والا و امانتداری و راست‌گویی رسول خدا، شخصیت آن بزرگوار در جامعه مکه خوش درخشید. این ویژگی‌های انسانی ارزشمند در وجود پیامبر (ص) سبب شد تا دل‌ها به سمت ایشان جذب شود (حکیم، ۱۳۸۴: ۸۳). خداوند در قرآن به پیامبر (ص) می‌فرماید: «به موجب لطف پروردگار رفتار شخصی و فردی تو با مسلمانان رفتاری ملایم است» (آل‌عمران: ۱۵۹) و به همین جهت آنان را جذب کرده‌ای؛ پس همچنان در برابر مسلمانان گذشت داشته باش و عفو کن^{۱۲} (مطهری، ۱۳۶۸: ۲۱۱).

پیامبر (ص) برای تبلیغ اسلام در مکه به سر می‌برد و تا وقتی مردم این شهر و سایر اعراب به مبارزه علیه ایشان اقدام نکردند و قصد جان ایشان را نداشتند، با آنان نجنگید. او همچنین پیروان ادیان دارای کتاب آسمانی را به پذیرش اسلام مجبور نکرد و آنان را به حال خود وانهاد. ایشان حتی با چهره گشاده و کرداری مناسب با یهودیان و مشرکان روبه‌رو می‌شدند (حکیم، ۱۳۸۴: ۲۹۲).

۱-۵. رفتار پیامبر با یهودیان

پیامبر (ص) در رفتار و برخورد چنان عظمتی داشت که بر قدرت‌های آن زمان جلوه می‌نمود، به طوری که حسن نیت خالصانه پیامبر (ص) بر همه آشکار شد. پیامبر (ص) مردم را به صلح و صفا و امنیت فرا می‌خواند و به همین منظور پیمان صلح و همیاری بین مسلمانان و یهود منعقد کرد تا طبق آن همه بتوانند از حقوق انسانی خود به‌طور مساوی برخوردار باشند. پیمان‌نامه صلحی که میان مسلمانان و یهودیان بسته شده بود، مانع بروز جنگ می‌شد، اما پیروزی پایدار مسلمانان و رشد روزافزون قدرت اسلام و مسلمانان در اندیشه یهودیان خطری پدید آورد؛ در نتیجه به تلاش‌های تحریک‌آمیز و تبلیغات دروغین برای بد جلوه دادن مسلمانان روی آوردند. آنان با این اقدامات

پیمان‌نامه همزیستی مسالمت‌آمیز را نقض کردند؛ اما واکنش پیامبر (ص) در برابر یهودیان چیزی نبود جز اینکه آرامش روحی خود را حفظ کردند و آنان را با اندرز نیکو به خداشناسی فرا خواندند.

۵-۲. برخورد پیامبر در جنگ‌ها با مشرکان

پیامبر حتی در جنگ‌های خود نیز نماد مهر و محبت بود. نحوه آغاز جنگ پیامبر (ص) با مدارا بود؛ رسول خدا در توصیف دعوت و نبردهای خود می‌فرماید: «من پیامبر رحمت و حماسه‌ام». ایشان همچنین به سربازان در میدان نبرد توصیه می‌فرمود: «با مردم با دوستی و آشنایی رفتار کنید و تا آنان حمله را آغاز نکرده‌اند به آنان حمله نکنید». بنابراین وقتی پیامبر (ص) هدایت و رهبری جنگی را بر عهده می‌گرفت، تمام تلاشش بر آن بود که از جان و مال مردم مراقبت شود (ابوزهرة، ۱۳۷۳: ۳۰۷/۲). در نبرد حنین که به پیروزی مسلمانان و فرار مشرکان انجامید، رسول خدا و مسلمانان غنائمی را که مشرکان به جا گذاشته بودند، جمع‌آوری می‌کردند که رسول خدا (ص) در میان کشتگان زنی را دید؛^{۱۳} سخت خشمگین شد و کسی را که آن زن را کشته بود محکوم کرد و فرمود: «او نباید چنین کاری می‌کرد». سپس خطاب به او فرمود: «هیچ‌کس از زنان و کودکان یا هیچ مزدوری را نکشید» (ابوزهرة، ۱۳۷۳: ۳۵۱/۳).

آخرین جنگ رسول خدا (ص) با قریش به پیروزی سپاه پیامبر (ص) و فتح مکه انجامید. پیامبر (ص) پس از ورود به این شهر شنید که فردی از هم‌پیمانان رسول خدا به یکی از مشرکان حمله کرده و او را به قتل رسانده است. پیامبر (ص) خشمگین شدند و فرمودند: «خداوند نبرد در این سرزمین را تنها برای فرستاده‌اش روا داشت و برای شما جایز ندانست» (حکیم، ۱۳۸۴: ۲۳). در جنگ بدر که به پیروزی مسلمانان در برابر مشرکان انجامید، پیامبر (ص) در مورد اسیران جنگی فرمود: «هر اسیری که به کودکان خواندن و نوشتن بیاموزد آزادی خود را به دست آورد»^{۱۴} (سبحانی، ۱۳۵۳: ۵۱۸). پیامبر (ص) با اسیران مدارا می‌کرد، شخصیت و کرامت انسانی را از بین نمی‌برد و به مسلمانان توصیه‌هایی می‌فرمود؛ از جمله اینکه «همدیگر را به رفتار شایسته و

نیکوکاری با اسیران سفارش کنید». مسلمانان به توصیه پیامبر(ص) در جنگ بدر عمل کردند تا جایی که در خانه‌های خود پذیرای اسیران بودند (ابوزهره، ۱۳۷۳: ۳۱۹/۲). ابو‌عزیز، پرچمدار سپاه قریش در جنگ بدر، می‌گوید: «از روزی که پیامبر(ص) سفارش اسیران را به یاران خود کرد، ما در میان آنان بسیار محترم بودیم تا جایی که تا به ما غذا نمی‌دادند، دست به غذا نمی‌زدند»^{۱۰} (سیحانی، ۱۳۵۳: ۵۱۵).

۳-۵. نتیجه بررسی سیره نبوی

تاریخ و سیره پیامبر(ص) نشان می‌دهد که نوع خاصی از الگوی اجتماعی سبب گسترش روزافزون اسلام و جذب این آیین قدسی در جهان بوده است. با تحلیل ارائه‌شده می‌توان به این نکته مهم دست یافت که شرع اسلام مسئله محبوبیت جهانی را فاکتوری اثرگذار می‌داند و رهبری پیامبر(ص) بر جامعه اسلامی در درون خود زمینه‌ساز این محبوبیت جهانی شده است. بنابراین با توجه به تاریخ اسلام و سیره نبوی می‌توان الگویی اجتماعی از رفتار پیامبر(ص) ارائه داد و با مقایسه این دو الگوی رفتاری انحراف و هابیت از الگوی اجتماعی سیره نبوی را مشخص کرد. تذکر این نکته ضروری است که این گفتار مختصر فقط تحلیل بخش مختصری از سیره نبوی، بر اساس اهداف این نوشته، است نه بیان همه وجوه اجتماعی و سیاسی سیره پیامبر اسلام (ص). با توجه به آنچه بیان شد می‌توان این الگوی رفتاری را ارائه داد:

الگوی رفتار اجتماعی

حفظ شخصیت اسیران در جنگها

اعتدال در رفتار و منع افراط و تفریط

تبلیغ دین با اخلاق و کنش جوانمردانه

سفارش به علم و علم‌آموزی

برخورد شایسته حتی با اسیران

محکوم کردن مسلمانانی که مشرکی را در غیر جنگ به قتل برسانند

تأکید بر وحدت و نیز هشدار درباره تفرقه در جامعه اسلامی

ایجاد حقوق انسانی یکسان برای همه مردم با هر عقیده‌ای

برخورد شایسته با پیروان دیگر ادیان

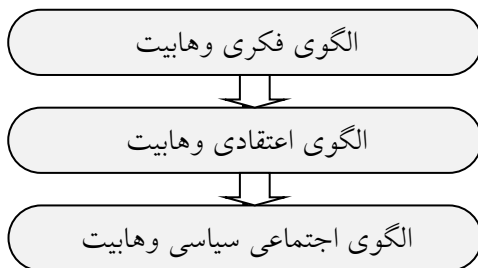
تجلیل از مقام زن و تبیین حقوق زن در جامعه

برخورد منطقی و دلسوزانه با عقاید و اندیشه‌های مخالف

۶. مقایسه دو الگوی رفتاری

هنجارها، قاعده‌ها و دستورالعمل‌ها مشخص می‌کنند که مردم در شرایط خاص چگونه رفتاری باید داشته باشند. هر فرهنگ و جریان اجتماعی هنجارهایی دارد که با آنها رفتارهای پیروان خود را تعیین می‌کند. بر این اساس تلاش کردیم با ارائه سه الگوی فکری، اعتقادی و اجتماعی هنجار حاکم بر جریان وهابیت را تحلیل و بررسی کنیم. حاصل این سه الگو نشان می‌دهد که الگوی اعتقادی وهابیت متأثر از نوع خاص الگوی فکری آن است و این دو الگو در کنار هم زمینه‌ساز الگوی اجتماعی وهابیت می‌شوند. استاندارد رفتاری و هنجارهای حاکم بر وهابیت را با مقایسه سه الگو می‌توان استخراج کرد:

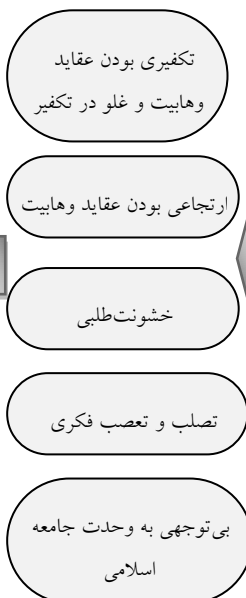
روند تأثیرگذاری الگوها بر یکدیگر :



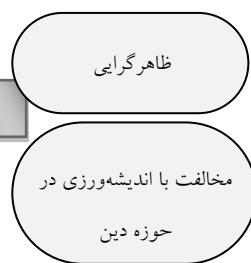
الگوی اجتماعی سیاسی وهابیت:



الگوی اعتقادی وهابیت:



الگوی فکری وهابیت:



با مقایسه هنجارهای حاکم بر فرقه وهابیت با الگوی رفتار اجتماعی سیاسی پیامبر اسلام (ص) به راحتی می‌توان به تفاوت‌های آشکار این الگوها پی برد. الگوی سیاسی اجتماعی وهابیت خصیصه‌هایی دارد که برآیندش با فطرت انسانی سازگار نیست؛ همین امر سبب انزجار همه انسان‌ها از چنین الگویی خواهد شد. این الگو را امروزه وهابیت به نام اسلام و بازگشت به اسلام ناب مطرح کرده که حاصلش معرفی چهره‌ای وارونه از اسلام و تنفر از چنین اسلامی خواهد بود، حال آنکه پیامبر(ص) در تبلیغ خود به گونه‌ای رفتار می‌کرد که از اسلام چهره‌ای خوب برای مردم نمایان شود؛ همین سیره سبب گرایش مردم به اسلام شد. وقتی رسول خدا (ص) به مبلغانی که به دیگر شهرها می‌فرستاد، سفارش می‌کرد که کار خود را بر پایه تبشیر قرار دهند، به طوری که مردم مزایای اسلام را درک کنند و با میل و رغبت به اسلام بگردند. تصلب فکری وهابیت و تعصب نابجای آنان سبب ریخته شدن خون هزاران انسان بی‌گناه شده است. کافر دانستن شخصی که شهادتین را بر زبان جاری کرده و ملتزم به احکام اسلام است، مخالفت صریح با شریعت اسلام و سیره پیامبر اسلام به شمار می‌رود، چه برسد به اینکه حکم به مباح بودن جان و مال مسلمانان شود. چنین رفتاری نتیجه‌ای جز ارائه چهره‌ای ناموزون و خشن از اسلام نداشته است؛ رفتاری که حاصلش آب ریختن به آسیاب دشمنان اسلام و به یقین مورد تأیید و حمایت بیگانگان است. در ریشه‌یابی گروهک‌های تروریستی وهابی نیز می‌توان دست‌های این عوامل در پشت پرده را دید. حاصل این بدعت چیزی جز بازگشت به جامعه جاهلی پیش از پیامبر (ص) نیست و این را می‌توان تنها معنای سلفی امروز دانست.

نتیجه

در این پژوهش مسئله محبوبیت جهانی، به‌عنوان فاکتوری اثرگذار، در سیره نبوی مورد بررسی قرار گرفت و با تحلیلی بر ساختار هنجاری حاکم بر فرقه وهابیت از سه الگوی مبنا استفاده شد. با بررسی ریشه‌های عقیدتی وهابیت الگوی فکری، با بررسی احکام خاص این فرقه الگوی اعتقادی و با بررسی رفتار اجتماعی سیاسی آن الگوی اجتماعی

این جریان نشان داده شد. نوعی ظاهرگرایی دینی و خردستیزی در حوزه معارف دینی از خصوصیات فکری این جریان است. تصلب و تعصب فکری، غلو در تکفیر، ارتجاعی بودن عقاید نیز از مهم‌ترین مشخصه‌ها و ویژگی‌های اعتقادی آنان است. همچنین از مهم‌ترین نتایج عملکرد وهابیت زمینه‌سازی تنش‌های فرقه‌ای در جهان اسلام، افزایش شکل‌گیری گروهک‌های تروریستی و تضعیف وحدت اسلامی است. به طور کلی، عملکرد اجتماعی این گروه سبب شده چهره‌ای خشن و افراطی از مسلمانان در منظر جهانی ثبت شود.

الگوی فکری وهابیت نه تنها با آموزه‌های نبوی همخوان نیست، بلکه در تعارض است. حرکت رسول خدا (ص) در مسیر اسلام به طور کامل بر اساس فطرت، عقل و منطق بوده است. پیامبر (ص) دین اسلام را دینی منطبق با فطرت بشری معرفی می‌کند. رفتار و خلق و خوی پیامبر (ص) که حاکی از فطرت پاک و فضایل بلند اخلاقی بود، سبب شد حق در دل‌ها جا بگیرد. تبلیغ دین با اخلاق و کنش جوانمردانه، برخورد منطقی و دلسوزانه با عقاید و اندیشه‌های مخالف، ایجاد حقوق انسانی یکسان برای همه مردم با هر عقیده‌ای، هشدار درباره تفرقه و تأکید بر وحدت جامعه اسلامی از آموزه‌های نبوی است که در تقابل با اندیشه‌های وهابیت قرار دارد. با تحلیل ارائه‌شده از سیره نبوی روشن شد که شرع اسلام مسئله محبوبیت جهانی را فاکتوری اثرگذار می‌داند و رهبری پیامبر (ص) بر جامعه اسلامی زمینه‌ساز این محبوبیت جهانی شده است. با مقایسه دو الگوی به‌دست آمده، انحراف وهابیت از الگوی اجتماعی سیره نبوی کاملاً مشخص است. حاصل تفکر و عملکرد وهابیت معرفی چهره‌ای وارونه از اسلام و بدبینی به آن است. به طور خلاصه، عقاید و عملکرد وهابیت، برخلاف ادعایشان، نه تنها متفاوت، بلکه متعارض با سیره نبوی است.

پی‌نوشت‌ها

۱. جدش حاکم و فرماندار سرخس بود. احمد بن حنبل فقیهی بود که برای فرا گرفتن علوم اسلامی و

حدیث سفرهای فراوانی کرد.

۲. پیروان مذهب حنبلی از پیروان سه مذهب فقهی دیگر اهل سنت کمترند. احمد بن حنبل در سال ۲۴۱ قمری در شهر بغداد درگذشت.
۳. پدرش مانند خود او از علمای دینی بود که از جور مغول به دمشق پناه برده بود. ابن تیمیه ابتدا نزد پدرش و بعضی از دانشمندان دیگر علوم اسلامی را فراگرفت.
۴. در عقاید خود با مخالفت افکار مذهبی معاصر خود روبه‌رو شد و مدتی زندانی بود، سپس در سال ۷۱۲ قمری دوباره به دمشق بازگشت و در سال ۷۲۸ قمری درگذشت.
۵. از مالک بن انس (۹۳-۱۷۹ق)، پیشوای مذهب مالکیه، درباره استوای خداوند بر عرش سؤال شد. وی در پاسخ گفت: «الاستواء معلوم و کیفیة مجهوله و الايمان به واجب و السؤال عنه بدعة» (سیحانی، ۱۳۷۳: ۹۳/۱).
۶. نمونه‌ای از برخورد جاهلانه محمد بن عبدالوهاب را می‌توان در تکفیر فخر رازی مشاهده کرد. وی در توجیه تکفیر فخر رازی می‌گوید: «او کتابی را تألیف کرده و در آن عبادت ستارگان را خوب شمرده است» (دحلان، ۱۴۲۴: ۲۷۳)، در حالی که فخر رازی کتابی نوشته که در آن اشاره به فواید ستارگان دارد و محمد بن عبدالوهاب از او معنای نادرستی فهمیده است.
۷. «کفره تباح دماوهم و نساوهم و متملکاتهم و المسلم هو من آمن بالسنه التی یسیر علیها محمد بن عبدالوهاب و محمد بن سعود».
۸. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تخریب قبه زادگاه پیامبر (ص)؛ تخریب قبه زادگاه امام علی (ع)؛ تخریب زادگاه حضرت خدیجه؛ تخریب آثار باستانی که در اطراف خانه خدا و بر روی زمزم بود؛ تخریب آثار قبور صحابه و مؤمنان؛ آتش زدن کتابخانه بزرگ «المکتبه العربیه»؛ قتل عام مردم طایف.
۹. آن گونه که در تاریخ آمده، در قتل عام مردم طایف بر کوچک و بزرگ رحم نکردند، به گونه‌ای که عده‌ای را که در مسجد مشغول نماز بودند به قتل رساندند و کتاب‌های حدیثی و فقهی را در کوچه و بازار افکندند و پایمال کردند.
۱۰. نمونه‌های آن در تاریخ بسیار است؛ از جمله کشتار حجاج بیت‌الله الحرام از سوی عمال وهابی رژیم آل‌سعود در ۹ مرداد ۱۳۶۶ و فاجعه منا در سال ۱۳۹۴ (روزنامه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۶).
۱۱. «إن هذا الدين متين فأوغلوا فيه برفق ولا تبغضوا إلى أنفسكم عبادة الله، فإن المنبت لا أرضا قطع ولاظها أبقى».
۱۲. پیامبر (ص) با مسلمانان چنان اخلاق نرمی داشت که حتی در کارها با مسلمانان مشورت می‌کرد. ایشان اگرچه احتیاج به مشورت نداشت، مشورت با دیگران را شخصیت دادن به همراهان و پیروان می‌دانست (مطهری، ۱۳۶۸: ۲۱۳).
۱۳. پیامبر همراهان و سربازان خویش را از کشتن کودکان، کهنسالان و زنان، که در امور جنگ مداخله

نمی‌کردند، منع می‌کرد و اگر خبری می‌رسید که کسی در جنگ کودک و زن بی‌گناهی را کشته است به شدت خشمگین می‌شد. جنگ‌های پیامبر مانند جنگ‌های فرومایگان نبود که بر گردن گناه‌کار و بی‌گناه شمشیر می‌نهند، بلکه تنها طرف مبارزه خود را کسی می‌دید که به شکل یک سرباز مقابلشان ایستاده و وجودش را فساد فراگرفته است؛ پیامبر تنها بر گردن چنین افرادی شمشیر می‌زد (ابوزهره، ۱۳۷۳: ۳۰۹/۲).

۱۴. زمانی که یکی از مشرکان به این ترتیب آزاد شد، یک نفر از یاران پیامبر(ص) از حضرت درخواست کرد که دندان‌های جلوی این مشرک را بشکند تا دیگر نتواند سخنی بر ضد اسلام بگوید. پیامبر(ص) به او اجازه چنین کاری را نداد و فرمود: «این کار در اسلام پذیرفته و جایز نیست».

۱۵. در پی پیروزی حاصل از فتح مکه، پیامبر(ص) با گروهی از قریش روبه‌رو شد که او و یارانش را تحت آزار و شکنجه قرار داده بودند، با این حال در زمان ملاقات، به سران فرمود: «گمان دارید با شما چه کنم؟». آنان گفتند: «تو برادری بزرگوار و فرزند برادری بزرگوار و باگذشت هستی». آن حضرت فرمود: «همان سخنی را می‌گویم که برادرم یوسف گفته بود: امروز بر شما نكوهشی نیست، خداوند شما را می‌آمرد و او بخشنده‌ترین بخشنندگان است». سپس پیامبر(ص) آنان را آزاد کرد (ابوزهره، ۱۳۷۳: ۳۱۸/۲).

منابع

- ابن تیمیه (۱۳۷۴ق/۱۹۵۴م)، مجموعه التفسیر شیخ الاسلام ابن تیمیه، بمبئی.
- ابن تیمیه (۱۴۱۱)، موافقه صحیح المنقول لصریح المعقول محقق محمد رشاد سالم، جامعه الإمام محمد بن سعود الإسلامیه.
- ابن عبدالوهاب، محمد (بی تا)، *خمسون سؤالاً وجواباً فی العقیده*، نسخه pdf. www.noor-book.com
- ابن غنم (۱۳۸۵ق)، *تاریخ نجد*، ریاض: بی‌نا.
- ابن عساکر، علی (۱۳۴۷ق)، *تبیین کذب المفتری فیما نسب الی الامام ابی الحسن الانسعی*، ج ۱، به کوشش حسام‌الدین قدسی، دمشق.
- ابوزهره (۱۳۷۳)، *محمد خاتم پیامبران*، مترجم حسین صابری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ابوطامی، احمد بن حجر (۱۴۱۹)، *الشیخ محمد بن عبدالوهاب عقیده السلفیه*، ریاض: الامانه العامه للاحتفال احمد بن حنبل (۲۰۰۶)، *اصول السنه*، مکتبه ابن تیمیه.
- اسفندیاری، محمد (۱۳۸۴)، *آسیب‌شناسی دینی (پژوهش‌هایی درباره اسلام‌شناسی و جامعه‌شناسی)*، قم: انتشارات صحیفه خرد، چاپ اول.
- امین، محسن (۲۰۰۷)، *کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب*، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت(ع).

- هورنای، آ.اس. (۱۳۸۲)، فرهنگ پیشرفته آکسفورد، تهران: مؤسسه نشر جهان دانش، چاپ نهم.
- آشوری، داریوش (۱۳۵۱)، فرهنگ سیاسی، تهران: مروارید.
- بخاری، محمد (۱۳۸۶)، صحیح البخاری، ج ۳، مترجم نور احاراری، عبدالعلی، تربت جام: شیخ الاسلام جام.
- برنجکار، رضا (۱۳۸۰)، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، قم: کتاب طه.
- توکلی، سعید (۱۳۹۳)، «القاعده، داعش؛ افتراقات و تشابهات»، فصلنامه آفاق امنیت، سال هفتم، شماره ۲۳.
- جبرتی، عبدالرحمن (۲۰۱۳)، عجائب الآثار فی التراجم والأخبار، ج ۲، اورشلیم: قدس.
- درخشه، جلال و حسینی فائق، سید محمدمهدی (۱۳۸۸)، «اسلام‌هراسی در رسانه‌های غربی؛ مطالعه موردی رسانه‌های بریتانیا»، رسانه، شماره ۷۹.
- الزهاوی، جمیل افندی صدقی (۱۹۸۴م)، الفجر الصادق، استانبول: مکتبه ایشیق.
- حافظ تقی‌الدین (۱۹۹۸)، احزاب و نهضت‌های سیاسی پاکستان، لاهور: بی‌نا.
- حکیم، سید منذر (۱۳۸۴)، پیشوایان هدایت، ترجمه عباس جلالی، قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع)، چاپ اول.
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۷۹)، کلام جدید، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه.
- دحلان، احمد بن زینی (۱۴۲۴)، الدرر السنی فی الرد علی وهابیه، القاهره: دار جوامع الكل.
- دژاکام، علی (۱۳۷۷)، تفکر فلسفی غرب از منظر استاد شهید مرتضی مطهری، تهران: مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر، چاپ دوم.
- ربانی گلباگانی، علی (۱۳۷۷)، فرق و مذاهب کلامی با اضافات (النهایه فی غریب الحدیث)، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- زلمی، مصطفی ابراهیم (۱۳۷۵)، خاستگاه‌های اختلاف در فقه مذاهب، مترجم حسین صابری، مشهد: نشر آستان قدس رضوی.
- سبحانی، جعفر (۱۳۵۳)، فرهنگ عقاید و مذاهب اسلام، قم: انتشارات توحید.
- سبحانی، جعفر، (۱۳۷۴)، آیین وهابیت، مؤسسه امام صادق (ع).
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۸)، «آشنایی با مکتب سلفیه»، مجله کلام اسلامی، شماره ۷۰.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۱ق)، بحوث فی الملل و النحل، مؤسسه الامام الصادق علیه السلام.
- سعادت، اسماعیل (۱۳۸۸)، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع).
- شیخ عبدالقادر عبدالعزیز (۲۰۱۷)، العمده فی اعداد العده للجهاد فی سبیل الله، دار البیارق.
- العاملی، جعفر مرتضی (۱۴۱۹ق)، الصحیح من سیره النبی الاعظم (ص)، بیروت: دار السیره.
- امین، محسن (۱۴۲۱ق)، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف.

عبدالعزیز بن باز (۲۰۰۸)، *مجموع فتاوی و مقالات متنوعه*، دار القاسم للنشر.
علیزاده موسوی، سید مهدی (۱۳۹۲)، «مفهوم‌شناسی سلف، سلفی‌گری و سلفی»، مرکز جامع پژوهش‌های تکفیری.

فاسیلیف، آلیکسی (۱۴۱۱ق)، *تاریخ العربیه السعودیه*، بیسان للنشر والتوزیع والاعلام.
اسد علی‌زاده، اکبر (۱۳۸۴)، *چالش‌های فکری و سیاسی وهابیت*، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

مبلغی آبادانی، عبدالله (۱۳۶۴)، *تاریخ ادیان و مذاهب جهان*، ج ۳، قم: چاپخانه علمیه.
محمد صخر (۱۹۸۱)، *آل سعود من این؟ الی این؟*، دار القصیم.
محمصانی، صبحی (۱۳۵۸)، *فلسفه التشریح فی الاسلام*، بیروت: ترجمه اسماعیل گلستانی، نشر امیر کبیر.

مستقیمی، بهرام و ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۸۹)، «مبانی و مفاهیم اسلام سیاسی القاعده»، فصل‌نامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۳، صفحه ۳۳۷-۳۵۵.
مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، *سیری در سیره نبوی*، انتشارات صدرا.
ناصر السعید (۱۴۳۳)، *تاریخ آل سعود*، الناشر دار الشزق للطباعه و النشر.

References

- Ibn Taymiyya, Ahmad ibn 'Abd al-Halim. 1954. *Majmu'at al-Tafsir Shaykh al-Islam Ibn Taymiyya* (Shaykh al-Islam Ibn Taymiyya's Exegesis of the Qur'an). Mumbai: 'Abd al-Samid Sharaf al-Din. [In Arabic]
- Ibn Taymiyya, Ahmad ibn 'Abd al-Halim. 1990. *Muwafaqa Sahih al-Manqul li-Sarih al-Ma'qul* (Agreement between What Is Accurately Transmitted and What Is Clearly Reasoned). Edited by Muhammad Rashad Salim. Saudi Arabia: Jami'at al-Imam Muhammad ibn Sa'ud al-Islamiyya. [In Arabic]
- Ibn 'Abd al-Wahhab, Muhammad. n.d. *Khamsun Su'al wa Jawab fi-l-'Aqida* (Fifty Questions and Answers Concerning the Belief). Accessed from www.noor-book.com. [In Arabic]
- Ibn Ghinam. 1965. *Tarikh Najd* (History of Najd). Riyadh: n.p. [In Arabic]
- Ibn 'Asakir, 'Ali. 1928. *Tabyin Kidhb al-Muftari fi-ma Nusib ila-l-Imam Abi-l-Hasan al-Ash'ari* (Elucidation of the Falsity of What Is Attributed to Imam Abu-l-Hasan al-Ash'ari). Vol. 1. Edited by Hisam al-Din Qudsi. Damascus: al-Tawfiq. [In Arabic]
- Abu Zuhra. 1994. *Muhammad Khatam-i Payambaran* (Muhammad the Last Prophet). Translated into Persian by Husayn Sabiri. Mashhad: Bunyad-i Pazhuhish-hayi Islami. [In Persian]
- Abu Tami, Ahmad ibn al-Hajar. 1998. *Al-Shaykh Muhammad ibn 'Abd al-Wahhab 'Aqidatuh al-Salafiyya* (al-Shaykh Muhammad ibn 'Abd al-Wahhab: His Salafi Belief). Riyadh: al-Amanat al-'Ammah li-l-Ihtifal. [In Arabic]
- Ahmad ibn Hanbal. 2006. *Usul al-Sunna* (Principles of the Tradition). Cairo: Maktaba Ibn Taymiyya. [In Arabic]
- Isfandiyari, Muhammad. 2005. *Asibshinasi-yi Dini: Pazhuhish-hayi darbari-yi Islamshinasi va Jami'ishinasi* (Religious Pathology: Research about Islamic Studies and Sociology). Qom: Sahifi-yi Khirad Publications. First edition. [In Persian]
- Amin, Muhsin. 2007. *Kashf al-Irtiyab fi Atba' Muhammad ibn 'Abd al-Wahhab* (Resolving the Doubt concerning Muhammad ibn 'Abd al-Wahhab's Followers). Isfahan: Mu'assisi-yi Tahqiqat va Nashr-i Ma'arif-i Ahl al-Bayt. [In Arabic]
- Hornby, A.S. 2003. *Oxford Advanced Dictionary*. Tehran: Jahan-i Danish Publications. Ninth edition. [English]
- Ashuri, Dariyush. 1972. *Farhang-i Siyasi* (Political Dictionary). Tehran: Murvarid. [In Persian]

- Bukhari, Muhammad. 2007. *Sahih al-Bukhari* (Al-Bukhari's Accurate Hadiths). Vol. 3. Translated by 'Abd al-'Ali Nur Ahrari. Torbat-e Jam: Shaykh al-Islam Jam. [In Persian]
- Birinjkar, Riza. 2001. *Ashnayi ba Firqah va Mazahib-i Islami* (An Introduction to Islamic Sects and Denominations). Qom: Kitab-i Taha. [In Persian]
- Tavakkuli, Sa'id. 2014. "Al-Qa'idih, Da'ish: Iftiraqat va Tashabuhat" (Al-Qaeda, ISIS: Differences and Similarities). *Faslnami-yi Afaq-i Ammiyyat* (Horizons of Security Quarterly) 7, no. 23 (Autumn): 151-195. [In Persian]
- Jabrati, 'Abd al-Rahman. 2013. *'Aja'ib al-Athar fi-l-Tarajim wa-l-Akhbar* (Peculiar Work in Biographies and Reports). Vol. 2. Jerusalem: Quds. [In Arabic]
- Dirakhshih, Jalal, and Husayni Fa'iq, Sayyid Muhammad Mahdi. 2009. "Islamharasi dar Rasani-hayi Gharbi: Mutali'i-yi Mowridi-yi Rasani-hayi Britaniya" (Islamophobia in Western Media: A Case Study of British Media). *Rasanih* (Media), no. 79 (Autumn): 9-27. [In Persian]
- Al-Zahawi, Jamil Afandi Sidqi. 1984. *Al-Fajr al-Sadiq* (The True Dawn). Istanbul: Maktaba Ishiq. [In Arabic]
- Hafiz Taqi al-Din. 1998. *Ahزاب va Nihzat-hayi Siyasi-yi Pakistan* (Pakistan's Political Parties and Movements). Lahore: Faction House. [In Persian]
- Hakim, Sayyid Mundhir. 2005. *Pishvayan-i Hidayat* (Leaders of Guidance). Translated into Persian by 'Abbas Jalali. Qom: World Assembly of Ahl al-Bayt. First edition. [In Persian]
- Khusrowpanah, 'Abd al-Husayn. 2000. *Kalam-i Jadid* (Modern Kalam). Qom: Markaz-i Mutali'at va Pazhuhish-hayi Farhangi-yi Howzih. [In Persian]
- Dahlan, Ahmad ibn Zayni. 2003. *Al-Durar al-Saniyy fi-l-Radd 'ala Wahhabiyya* (Brilliant Pearls in the Refutation of Wahhabism). Cairo: Dar Jama'i al-Kull. [In Arabic]
- Dizhakam, 'Ali. 1998. *Tafakkur-i Falsafi-yi Gharb az Manzar-i Ustad Shahid Murtaza Mutahhari* (Western Philosophical Thought in Martyr Murtaza Mutahhari's View). Tehran: Cultural Institute of Andishi-yi Mu'asir. Second edition. [In Persian]
- Rabbani Gulpayigani, 'Ali. 1998. *Firqah va Mazahib-i Kalami ba Idafat al-Nihaya fi Gharib al-Hadith* (Sects and Schools of Kalam, together with The Final in Peculiar Hadiths). Qom: al-Mustafa International Center for Translation and Publication. [In Arabic]

- Zalmi, Mustafa Ibrahim. 1996. *Khastgah-hayi Ikhtilaf dar Fiqh-i Mazahib* (Origins of Dispute in the Jurisprudence of Denominations). Translated into Persian by Husayn Sabiri. Mashhad: Publications of Astan Quds Razavi. [In Persian]
- Subhani, Ja'far. 1974. *Farhang-i 'Aqa'id va Mazahib-i Islam* (Encyclopedia of Islamic Beliefs and Denominations). Qom: Towhid Publications. [In Persian]
- Subhani, Ja'far. 1995. *Ayin-i Wahhabiyyat* (The Wahhabi Creed). Qom: Imam Sadiq Institute. [In Persian]
- Subhani, Ja'far. 2009. "Ashnayi ba Maktab-i Salafiyyih" (An Introduction to the Salafi School). *Kalam-i Islami* (Islamic Theology), no. 7: 5-18. [In Persian]
- Subhani, Ja'far. 1990. *Buhuth fi-l-Milal wa-l-Nihal* (Issues in the Sects and the Creeds). Qom: Imam Sadiq Institute. [In Persian]
- Sa'adat, Isma'il. 2009. *Tarikh-i Adyan va Mazahib-i Jahan* (History of the World's Religions and Denominations). Isfahan: Mu'assisa Tahqiqat va Nashr-i Ma'arif-i Ahl al-Bayt. [In Persian]
- Shaykh 'Abd al-Qadir 'Abd al-'Aziz. 2017. *Al-'Umda fi I'dad al-'Idda fi Sabil Allah* (The Prop in the Preparation of the Group for jihad in the path of God). Jordan: Dar al-Bayariq. [In Arabic]
- Al-'Amili, Ja'far Murtada. 1998. *Al-Sahih min Sirat al-Nabiyy al-A'zam* (The Accurate Tradition of the Great Prophet). Beirut: Dar al-Sira. [In Arabic]
- Amin, Muhsin. 2000. *A'yan al-Shi'a* (Prominent Shi'a). Beirut: Dar al-Ta'aruf. [In Arabic]
- 'Abd al-'Aziz Binbaz. 2008. *Majmu' Fatawa wa Maqalat Mutanawwi'a* (Collection of Miscellaneous Fatwas and Articles). Riyadh: Dar al-Qasim li-l-Nashr. [In Arabic]
- Alizadizh Musavi, Sayyid Mahdi. 2013. "Mafhumshinasi-yi Salaf, Salafigari, va Salafi" (A Study of the Concepts: Salaf, Salafism, and Salafi). Takfir Website: Markaz-i Jami'-i Pazhuhish-hayi Takfiri. [In Persian]
- Vasiliev, Alexei. 1990. *Tarikh al-'Arabiyyat al-Sa'udiyya* (History of Saudi Arabia). Beirut: Bisan li-l-Nashr wa-l-Tawzi' wa-l-I'lam. [In Arabic]
- Asad 'Alizadizh, Akbar. 2005. *Chalish-hayi Fikri va Siyasi-yi Wahhabiyyat* (Intellectual and Political Challenges of Wahhabism). Qom: Center for Islamic Research, Islamic Republic of Iran Broadcasting. [In Persian]
- Muballighi Abadani, 'Abd Allah. 1985. *Tarikh-i Adyan va Mazahib-i Jahan* (History of World's Religions and Denominations). Vol. 3. Qom: 'Ilmiyya Printing House. [In Persian]

Archive of SID

تحليل و ارزیابی هنجارهای اعتقادی و اخلاقی و هابیت بر اساس سیره نبوی / ۱۴۱

- Muhammad Sakhr. 1981. *Al Sa'ud; Min Ayn? Ila Ayn?* (The Saudi Family: From Where? To Where?) Saudi Arabia: Dar al-Qasim. [In Arabic]
- Mahmasani, Subhi. 1979. *Falsafat al-Tashri' fi-l-Islam* (The Philosophy of Legislation in Islam). Translated by Isma'il Gulistani. Tehran: Amir Kabir Publications. [In Persian]
- Mustaqimi, Bahram, and Ibrahim, Nabiyy Allah. 2010. "Mabani va Mafahim-i Islam-i Siyasi-yi al-Qa'idih" (The Foundations and Concepts of al-Qaeda's Political Islam). *Fashnami-yi Siyasat* (Politics Quarterly) affiliated with the College of Law and Political Sciences, 40, no. 3: 337-355. [In Persian]
- Mutahhari, Murtaza. 1989. *Sayri dar Siri-yi Nabavi* (A Survey of the Prophet's Practice). Tehran: Sadra Publications. [In Persian]
- Nasir al-Sa'id. 2011. *Tarikh Al Sa'ud* (History of the Saudi Family). Qatar: Dar al-Sharq li-l-Tiba'a wa-l-Nashr. [In Arabic]